

فعالیت‌های مختلف مانند بختن و فروش شیرینی ، اجراء نمایش و حتی از راه کارهای انفرادی مانند ماشین‌شوئی و علف چینی اعانه جمع نمودند و توانستند مبلغ ۱۰۰۰ دلار (معادل ۷۵۰۰۰ ریال) برای قره‌چکا ارسال دارند.

در این اثناء روستائیان قره‌چکا زمین‌مورد احتیاج را فراهم و مشغول تسطیح آن بودند. یکی دیگر از داوطلبان گروه صلح‌بنام «چوک ویلر» که در همدان کار میکرد و فارغ‌التحصیل رشته معماری بود طرح ساختمان مدرسه را تهیه نموده و با همکاری ساتجیان اقدام بساختن مدرسه کردند. خود روستائیان نیز که خواستار یک مدرسه ۵ کلاسه بودند بتدریج مبلغ ۹۸۰۰۰ ریال جمع آوری کرده بودند.

هیئت عمران هم ۱۵۰۰۰ ریال کمک کرد که بمبلغ اصلسی ۷۵۰۰۰ ریال اهدائی ایثا کا اضافه گردید. پس از آنکه مدرسه حاضر شد، روستائیان قره‌چکا تصمیم گرفتند جشنی بدین مناسبت برپا دارند

ضمن جشن یکی از مأموران ایرانی اشاره کرد که «هر چند کمک مالی شاگردان امریکائی یک مبلغ نسبتاً مهمی است ولی آنچه بیشتر مورد تحسین و احترام ما است درس بزرگ دوستی ، جوانمردی و محبتی است که اطفال آن سردنیا و اعضاء فدا کار گروه صلح بنا داده‌اند. روستائیان نیز که همین احساس را داشتند یک آلبوم عکس بعنوان تشکر تهیه نموده و برای شاگردان ایثا کا فرستادند.

ساتجیان که بزبان فارسی بحث می‌کرد (چون طی یکسال ونیم اقامت خود در ایران برای آموختن زبان فارسی کوشش زیادی کرده بود) ضمن ابراز تشکر به روستائیان تبریک گفته و زحمات آنان را ستود و اظهار آرزو کرد که این مدرسه اولین کار نمونه از کارهای عمرانیه دیگر در قره‌چکا بوده و برای روستائیان نقاط دیگر نیز سرمشق قرار خواهد گرفت.

ساتجیان همچنین اضافه کرد که کار ساختمان مدارس در بعضی اوقات در سه نوبت کاری انجام می‌گرفت و اشاره کرد که هر خانواده دهکده یک تیر چوبی علاوه بر هدایای دیگر بمدرسه مزبور اهداء کرده است.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

عین القضاة همدانی

بمناسبت دیدن نام مدرسه همدان بنام عین القضاة

همدانی که خود از شما بوده است افتادیم و از دوست

آسماء خود آقای حسین خدیوجه خواستیم در معرفی آن شما

چند سطر بنویسد.

در سال چهارصد و نود و دو هجری به روزگار پادشاهی سلطان سنجر بن ملک‌شاه سلجوقی در شهر همدان متولد شد و تا بیست سالگی زیر نظر پدر و سایر

افراد خاندانش که اهل مطالعه و تحقیق بودند علوم مقدماتی زمان خود را فرا گرفت ، پس از آنکه با فلسفه و علم کلام آشنا شد در برابر پرسشهایی قرار گرفت که معمولا برای هر جوان صاحب‌دل و حساس و نازک اندیش مطرح می‌شود . چون پاسخ قائم‌کننده از مدعیان قشری نشنید ، دچار تزلزل فکری شد و تک روی پیشه کرد ، افسوس سخن و قدرت بیان و وارستگی او سبب شد که اهل دل گردش جمع شوند و او را در مبارزه با متعصبان خشک مغز یاری کنند . *عين القضاة* درباره شك و تردید خود چنین می‌گوید :

اگر خداوند به فضل و کرم خود مرارهائی نبخشیده بود به پرتگاه جهنم سقوط می‌کردم . زیرا هر چه بیشتر کتابهای علم کلام را مطالعه می‌کردم تا از پستی تقلید به بلندی بصیرت مقام گیرم مقصود خود را در آن کتب کمتر می‌یافتم . اساس و بنیاد مذاهب مختلف در اندیشه من بهم ریخته بود . به پرتگاهی در افتادم که بیانش در این مختصر نمی‌گنجد و اکثر مردم از شنیدن آن سودی نخواهند برد ، و بیانش برای خردهای کوتاه و دل‌های ضعیف جز زبانی بزرگ نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت .

در این بحران سرگشته و پریشان ماندم . عیشم منقضی گردید تا اینکه راهنمای سرگشتگان وادی حیرت هدایت‌م نمود و به گرمش یاریم کرد و بطور کلی پس از فضل خدا مطالعه کتابهای شیخ الاسلام محمد غزالی از سقوط در این و بطنه هائل نجاتم بخشید ...

سرانجام با صوفی آزاده احمد غزالی و چند صوفی مشهور دیگر آشنا می‌شود و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت می‌کند که در مقام مرشدی کامل جای می‌گیرد و آوازه‌اش همه گیر می‌شود . عمر کم و شهرت کفایت بسیار سبب می‌شود که محسود تنگ چشمان بانفوذ زمان خود واقع شود سرانجام با تهمت *تفر و الجاد* در سن سی و سه سالگی شهید شد ، یعنی در شب هفتم جمادی الاخر سال ۵۲۵ هجری به تحریک ناصر بن علی درگزینی وزیر سلطان محمود بن محمد و شجر بن ملک‌شاه سلجوقی ققیهان زمان به ارتداد او رأی دادند ، پس از آنکه مدتی در زندان بغداد در بند بود و رساله ارزنده شکوی‌الغریب را در آنجا نوشت وی را به زادگاهش همدان آوردند ، و بر در مدرسه‌ای که سالها در آنجا تدریس می‌کرد ، ابتدا او را به دار آویختند و سپس جسدش را در بوریای پیچیدند و به نفت آغشته کردند و آتش زدند .

آثار ارزنده *عين القضاة* کتابهای *زبدة الحقایق* و *شکوی‌الغریب* است که به عربی نگاشته است و کاملترین اثر او کتاب *تمهیدات* است که با نثری بسیار پخته و زیبا به فارسی نوشته است . علاوه بر این کتابها و چند کتاب دیگر که فعلا از میان رفته مقدار زیادی نامه از او برجای مانده که نسخه‌های خطی آنها در کتابخانه‌های آسیا و اروپا موجود است ، دانشمند لبنانی دکتر عقیف عبیران که در سال ۱۳۴۱ سه کتاب *زبدة الحقایق* و *تمهیدات* و *شکوی‌الغریب* او را در یک مجلد زیر عنوان «مصنفات *عين القضاة* همدانی» در سری انتشارات دانشگاه تهران

تصحیح و منتشر کرده است ، هم اکنون سرگرم چاپ قسمت دوم از آثار این صوفی بزرگ است . نام این مجموعه مکاتیب عین القضاة است که با مدد و همکاری خردمند آزاده علینقی منزوی برای چاپ آمده شده است.

قاضی همدانی علاوه بر این کوششهای علمی و ادبی مقدار زیادی از اوقات خود را صرف ارشاد مریدان خویش می کرده است ، خود او در این مورد چنین می گوید ، هر روز هفت یا هشت مجلس علم رنگارنگ با خلق مختلف گفته باشم که در هر مجلس از آن - والله اعلم - کمتر از هزار کلمه نگفته باشم و ندانم که سردر زبان باز می آید یا در قلم . وقت باشد که دو سه ماه بر آید نه درس مهم توانم گفت و نه نیز چیزی توانم نوشت و من در انکلام چرا چنین می رود و دولت علم و روزگار مسلمانان ضایع می کنم ؟ چه توان کرده .

اینک برای درک لطافت روح این صوفی پاکیاخته چند رباعی از سروده های او نقل می شود :

دوش آن بت من دست در آغوشم کرد
بگرفت و بقهر حلقه در گوشم کرد
گفتم صنما ز عشق تو بخروشم
لب بر لب من نهاد و خاموشم کرد

بستودنی است آنچه بنگاشته ایم
سودا بوده است آنچه پنداشته ایم
افکندنی است آنچه افراشته ایم
دردا که بهره عمر بگذاشته ایم

آن ره که من آمدم کدامست ای دل
در هر گامی هزار دامت ای دل
تا باز روم که کار خامست ای دل
نامردان را عشق حرامست ای دل